

A decorative graphic consisting of several overlapping circles with a metallic, brushed-metal texture. A horizontal film strip with sprocket holes runs across the middle of the circles. The Persian text 'درس پانزدهم' is centered on a dark blue rectangular background that is part of the graphic.

درس پانزدهم



واژگان درس

حَلَلْتُ	حل کردم:
الْحُمَّى	تب:
الغثيان	تهوع:
يؤلمني / يؤذيني	درد می کند:
المريض	بیمار:
المغص	دل پیچه:
بطني	دل:

ساختارهای گفتاری درس

أظن	فکر کنم:
بماذا تشعر؟	چه احساسی داری؟:
شاحب اللون	رنگ پریده:
الصباح الباكر	اول صبح:
محموم	تب دار:
هل تشعر بألمٍ آخر	جای دیگر درد نمی کند؟:
عرفتُ	فهمیدم:

تو بیماری

محسن: سلام چی شد؟ وقت تمام شد. تقرین ها را حل کردی یا نه؟

حسن: حل کردم اما خسته ام.

محسن: خسته، چرا؟ تازه اول صبحه.

حسن: فکر کنم مریض شدم.

محسن: چی؟ تو مریض شدی؟!

حسن: من بیمار هستم.

محسن: تب داری.

حسن: تب یعنی چه؟

محسن: یعنی «حُمی»



من بیمارم

حسن: من تب دارم.

محسن: دیگه چه احساسی داری؟

حسن: احساس یعنی چه؟

محسن: یعنی «بماذا تشعر؟»

حسن: دل پیچه دارم.

محسن: بگو دل پیچه دارم، یا دلم درد می کند.

حسن: دلم درد می کند، دل پیچه دارم.

محسن: رنگت پریده، سفید شدی.

حسن: بله رنگ پریده.

محسن: نه، رنگم پریده یعنی رنگ من پریده.

حسن: آقای دکتر حالت تهوع دارم.

محسن: فهمیدم، خب جای دیگرت درد نمی کند؟

محسن: اسهال داری؟

حسن: بله درسته اسهال گرفتم، خیلی زیاد شدید.

محسن: وضع تو خیلی خراب است باید به دکتر برویم.

۱. چه کسی ترمین ها را حل کرد؟

۲. چرا حسن خسته است؟

۳. آیا حسن تب دارد؟

۴. حسن در کدام قسمت بدن خود احسان درد دارد؟

۵. رنگ حسن چگونه است؟

۶. چه کسی حالت تهوع دارد؟

۷. چه کسی باید نزد دکتر برود؟

جمله های پر کاربرد روزمره

۱. من بیمارم. (أنا مريض / مریضة)
۲. احساس درد شدید دارم. (أشعر بألمٍ شديد.)
۳. دلم درد می کند. (بطني يؤلني / يؤذيني)
۴. سرم گیج می رود. (عندي دوار.)
۵. تب شما بالاست. (درجة حرارتک مرتفعة.)

نام ها و تصاویر

نام تصاویر را زیر آن بنویسید.

بیمار - سردرد - دارو - سرگیجه - دل درد - تب



۳



۲



۱



۶



۵



۴

الف. جمله های فارسی و معادل عربی آنها را به یکدیگر وصل کنید:

- | | | | |
|----------------------------------|---|------------------------------|---|
| ۱. من تب شدید دارم. | • | ۶. أنا تعبان جداً. | • |
| ۲. پزشک مرا معاینه کرد. | • | ۷. صديقي يشعر بألم في عظامه. | • |
| ۳. من بسیار خسته ام. | • | ۸. عندي حمى شديدة. | • |
| ۴. دستم درد می کند. | • | ۹. الطبيب فحَصَنِي. | • |
| ۵. دوستم استخوانهایش درد می کند. | • | ۱۰. يدي تؤلمني. | • |

ب. با توجه به متن، جمله های درست را مشخص کنید و جمله های غلط را تصحیح کنید:

۱. حسن دلش درد می کنند. _____
۲. پزشک گفت تو تب داریم. _____
۳. میهمانان بسیار خسته اید. _____
۴. چه احساسی داری؟ _____
۵. رنگ بیمار پریده هست. _____
۶. شما باید استراحت کنیم. _____
۷. غذایت را زود بخور. _____
۸. بیمارها با دارو برطرف می شوید. _____

تمرین ها

ج. واژگان را به معنای فارسی آن وصل کنید:

بیمار	•	•	حُمّی
دارو	•	•	غثیان
دل پیچه	•	•	دوار
تهوع	•	•	دواء
تب	•	•	مغص
خستگی	•	•	تعَب
سردرد	•	•	مریض

د. متضاد کلمات زیر را پیدا کنید:

_____	سالم	_____	توانا
_____	چاق	_____	مریض
_____	ناتوان	_____	لاغر
_____	پیر	_____	جوان

ه. با این کلمات جمله بسازید:

۱. بیمار :
۲. درد:
۳. احساس کردن:
۴. دارو:
۵. تب:

و. با توجه به متن فیلم کلمات را مرتب کرده تا جمله کامل شود:

۱. علی - شدیدی - دل - داشت - درد. _____
۲. احساس - گیجه - بیمار - می کرد - سر. _____
۳. شدم - خسته - از - زیاد - من - کار. _____
۴. نشانه - بیماری - رنگ - از - های - است - پریدگی. _____
۵. داری - احساس - چه؟ _____

ز. این بخش از فیلم را به خوبی گوش کرده و جای خالی را با واژگان مناسب پر کنید:

حسن: نه من _____ پزشکی را یاد گرفتم دیگر _____ بروم دکتر.

محسن: نه باید بریم دکتر تا یک _____ بخوری تا _____ بفهمی.

حسن: نه من از _____ می ترسم.

محسن: _____ نیست باید به _____ مراجعه کنیم.

الافعال البسيطة

في الفارسية بعض الافعال تستخدم بشكل مستقل و مجزء واحد و نسميها الافعال البسيطة و الافعال التي تستخدم بمساعدة فعل آخر تسمى الافعال المركبة:
فعلى سبيل المثال فعل «خوردن» (الاكل) بسيط و فعل «كمك كردن» (المساعدة) من الافعال المركبة حيث كلمة (كردن) (الفعل) أضيفت إليه.

امثلة الافعال البسيطة:

- ١ - من می دَوَم . (أنا أركضُ)
- ٢ - تو می نویسی . (أنت تكتبُ، أنتِ تكتبين)
- ٣ - او رفت . (هو ذهب، هي ذهبَت)
- ٤ - ما کتاب را خواندیم . (نحن قرأنا الكتاب)
- ٥ - نقاش تابلو می کشد . (الرسام يرسم صورة)
- ٦ - ما به آسمان نگاه می کنیم . (نحن ننظر إلى السماء)